



آب، آیین‌ها و باورها مرتبط به آن در فرهنگ عامه

■ عنوان: آب، آیین‌ها و باورهای مربوط به آن در فرهنگ عامه

■ نویسنده: مصطفی خلعتبری لیمایی

■ ناشر: صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، مرکز تحقیقات، ۱۸۲ صفحه

■ مکان چاپ: تهران، ۱۳۸۷، چاپ اول

■ شمارگان: ۱۰۰۰

■ مهرالزمان نویان

فصل سوم در بارهٔ باورها و معتقدات مربوط به آب، باران، چشمه‌های نظر کرده و... است. نگارنده در این فصل ابتدا آب و باران در اعتقادات و باورهای مردم تنکابن، کازرون، مشهد، ساوجبلاغ را مطرح کرده است. سپس به عقیده دربارهٔ ابر نیسان، در بین اهالی روستاهای اهر می‌پردازد. بعد از مطالب فوق از سقاخانه‌ها به عنوان بخشی از فرهنگ و اعتقادات دینی مردم در پیوند ناگسستنی با آب سخن به میان می‌آورد. نگارنده می‌نویسد ایجاد سقاخانه‌ها در حقیقت از یک سو روشی برای ثبت و ضبط حوادث کربلا و از سوی دیگر به سبب قدردانی از عنصر آب است. در فرهنگ مردم ایران، ایجاد سقاخانه‌ها عملی در شمار خریدن بهشت معرفی شده است. او می‌نویسد سقاخانه‌ها اغلب کتیبه‌هایی دارند که ابیاتی چند بر آنها نوشته شده که یادآور شهادت حضرت ابوالفضل (ع) است. مشکل‌گشایی سقاخانه‌ها و بست‌نشستن مجرمان و محل اجتماع لوطیان از جمله دیگر کارکردهای سقاخانه‌هاست که در این فصل به آن‌ها اشاره شده است. بعد از بحث آب انبارها، از رسم ورف چال (برف چال) به عنوان یکی از تدابیر ذخیرهٔ آب به اختصار یاد می‌کند. چشمه‌های نظر کرده و شفابخش با توجه به فرهنگ، اعتقادات و باورها در انتهای این فصل مورد بررسی قرار گرفته است. نگارنده دلیل این انتساب‌ها را برای حفظ و دوام چشمه‌ها بیان می‌دارد تا به این وسیله از آلوده کردن و مصرف بی‌رویهٔ آن‌ها جلوگیری شود. در این جریان فرهنگی از اسامی برخی از شخصیت‌های مذهبی و ائمه استفاده شده است، مانند نام بیشتر چشمه‌ها که به چشمه علی شهرت دارند. از آنجا که برخی از چشمه‌ها ویژگی شفابخشی و خاصیت درمانی دارند، در ادامهٔ مطالب به برخی از آن‌ها اشاره شده است، مثل چشمه‌های آب معدنی سرعین. بنابراین در خاتمهٔ این بخش چشمه‌های واقع در نزدیکی‌های مشهد، در خراسان، در بندر دیر بوشهر، در کیلان دماوند، در روستای فشنک طالقان، در روستای قاپوزآباد ساوجبلاغ، همچنین چشمهٔ وقت ساعت روستای امیرآباد و چشمهٔ صالح واقع در جونقان از استان چهارمحال و بختیاری و چشمه‌های واقع در اردبیل، نیشابور، قزوین، فارس، کرمان، اصفهان، سمنان، همدان، آذربایجان شرقی و... را شرح می‌دهد. در فصل چهارم از آیین‌های باران خواهی و بند آمدن باران (آفتاب

آب، اساس هستی و سنگ زیرین خلقت بشری است. آب در دفتر هستی و عالم وجود، اولین آفریدهٔ خداوند و عنصر اولیهٔ حیات مادی هر انسانی است که در این عالم زیسته و می‌زید. همچنین نشانهٔ صفا و پاکیزگی درون است و کنایه از تحرک و پویایی و جوشش معرفت ذاتی است. موقعیت جغرافیایی ایران و کمبود منابع طبیعی آب در این سرزمین باعث شده است که ایرانیان برای آن مقام ویژه‌ای قائل شوند. آب در آیین زرتشت مقدس بوده و پس از آمدن اسلام به ایران نیز حرمت خود را حفظ کرده است. رواج تشیع در ایران و عمومیت یافتن عزاداری سالار شهیدان، همچنین تکرار مداوم وقایع تاریخی کربلا و تکیهٔ خاصی که در نقل آن وقایع بر موضوع ممانعت از رسیدن آب به خاندان امامت می‌شود، و ماجرای شهادت حضرت ابوالفضل العباس (ع) که در آن واقعه جان خود را در راه رساندن آب به تشنگان کربلا از دست می‌دهد. همگی سبب شد بار دیگر آب نزد ایرانیان و این بار به دلیلی دیگر، مورد احترام قرار گیرد که البته این حرمت بیشتر جنبهٔ مذهبی داشته است.

مطالب فوق بخشی از گفته‌های مصطفی خلعتبری لیمایی در مقدمهٔ کتاب آب، آیین‌ها و باورهای مربوط به آن در فرهنگ عامه است. این کتاب حاصل پژوهشی است که با تکیه بر اسناد موجود در واحد فرهنگ مردم، مرکز تحقیقات صداوسیما در مورد آب در پنج فصل منتشر شده است.

فصل اول کتاب تحت عنوان کلیات، ابتدا به جایگاه آب در فرهنگ ایرانی و ادب فارسی اشاره دارد. سپس از اهمیت و جایگاه آب در قرآن سخن می‌گوید.

بحث فصل دوم مربوط به آب در تمثیل و مثل، کنایات، قصه‌ها و... است. بنابراین به تمثیل‌های مربوط به آب مثل: دسته گل به آب دادن، بی‌گدار به آب زدن و... اشاره می‌کند. در این ارتباط قصهٔ مثل‌ها هم آورده شده است. بخشی دیگر از این فصل به چیستان‌های مربوط به آب اختصاص می‌یابد. در پایان فصل هم دو قصه در بارهٔ آب، یکی به نام آب حیات و بختک (اسکندر و آب حیات) و دیگری به نام آب کله خوردن روایت می‌شود.

و اعتباری خاص یافته‌اند و اعتقادات و باورهایی در اطراف آن‌ها شکل گرفته‌اند. آب نیز با پاکی و تقدسی که دارد یکی از این عناصر است. مردم ایران، قبل از اسلام آن‌ها (الهه آب) و بعد از اسلام، حضرت فاطمه (س) را مظهر آب می‌دانستند. انتخاب چنین افراد پاک و الهی به عنوان مظهر آب نشانی از اهمیت و نقش آب در زندگی ایرانیان بوده است. آب مایه روشنایی و خیر و برکت است، به این جهت در جشن‌ها و مراسم گوناگون ایرانی همواره حضور داشته و دارد. در قرآن کریم چندین آیه درباره آب نازل شده است. علاوه بر این آب در فرهنگ مردم ایران به ویژه در ضرب المثل‌ها، کنایات و اعتقادات و باورهای مذهبی عامه، بازتابی وسیع دارد. در جای جای ایران به تناسب میزان منابع آبی موجود، شیوه‌های آبیاری اهمیت فراوانی می‌یابد. وی خاطر نشان می‌سازد که ایرانی‌ها یکی از ملت‌های کهن در زمینه حفر قنات و بهره‌برداری از منابع زیرزمینی نیز بوده‌اند. آب در فرهنگ مذهبی برای یاد خاطره شهدای کربلا با کارکردی دیگر مورد توجه قرار می‌گیرد که از این رو نذر کردن و سقا شدن و توزیع آب به ویژه در ایام محرم مرسوم شده است. همچنین برخی از چشمه‌ها در فرهنگ عامه ایران از کارکرد خاصی برخوردارند که چشمه‌های نظر کرده از آن جمله‌اند. مراسم باران خواهی در نقاط مختلف کشور، همبستگی و وحدت بیشتر گروه‌های انسانی به منظور تأمین آب را بیان می‌دارد. وی می‌نویسد آداب و رسوم اجتماعی که تحت تأثیر یک پدیده اجتماعی یا طبیعی به وجود می‌آید، تضمین کننده موجودیت، وحدت، انسجام و تحول فرهنگی است.

در پایان بحث نتیجه‌گیری، نویسنده اشاره به این مطلب دارد که با بهره‌گیری از تجربیات گذشتگان در ارتباط با حفظ و احیای شیوه‌های حرمت به آب در نزد مردم ایران و با تاسی از الگوهای موجود در فرهنگ مردم ایران به خصوص در زمینه تقسیم آب و آبیاری، باید به حفظ منابع آب برای نسل آینده کوشید. علاوه بر فصول پنج‌گانه کتاب، محتوای آن با ذکر منابع و مآخذ و همچنین با فهرست اسامی راویان و فرهنگ‌یاران و فهرستی از عکس‌ها، طرح‌های مختلف به پایان می‌رسد.

ارزیابی

سرانجام باید اظهار داشت، تالیف‌هایی از این گونه که به جمع‌آوری مطالب در یک حوزه علمی خاص می‌پردازند، معمولاً نواقصی در ارایه مطالب دارند. اما به نظر می‌رسد، نویسنده معرفی مفیدی در این ارتباط ارائه داده است. وی در یک جمع‌بندی حق مطلب را به جا آورده است که مدخلی برای معرفی از این عنصر حیاتی به شمار می‌رود. این کتاب در واقع دایره‌المعارف کوچکی است که به موضوع "آب" می‌پردازد و می‌تواند انگیزه‌های زیادی را برای مطالعات بیشتر در این زمینه ایجاد کند تا در سطح وسیع‌تر به نگارش درآید. بدان سبب که مطالب براساس اظهار نویسنده فقط به اسناد موجود در واحد فرهنگ مردم، مرکز تحقیقات صداوسیما بسنده شده است.

خواهی) سخن به میان می‌آورد. در این رابطه علل پیدایش آیین‌های گوناگون برای هر یک از جلوه‌های آسمانی بیان می‌شود. نویسنده به این مطلب اشاره دارد که وقتی انسان عاجز از درک قوانین طبیعی حاکم بر پدیده‌هاست و از ناتوانی در تغییر شرایط پیرامون به سود خویش توسط ابزار باز می‌ماند، به اجرای مراسمی در این باره اقدام می‌کند. اما هنگامی که انسان قادر به چیره شدن بر پیرامون خود گشته و برای رویارویی با عوامل محیطی، ساخت و ساز و نوآوری فناورانه داشته، این آیین‌ها بیشتر رنگ باخته‌اند. در این فصل به شرح نمونه‌هایی از آیین‌های باران خواهی در فرهنگ مردم ایران در اسفرجان اصفهان، نطنز، بیرجند، فردوس مشهد، فریمان، سرخس، تربت حیدریه، ماهشهر، هندیجان، اندیمشک، دزفول، شوشتر و... پرداخته شده است.

فصل پنجم و در واقع فصل پایانی این کتاب به تقسیم آب و آبیاری سنتی اختصاص می‌یابد. بنابراین ابتدا مختصری از تاریخ آب و آبیاری به عنوان مدخل، توضیح داده می‌شود. سپس اشاره‌ای به شیوه‌های تقسیم، حفظ و نگهداری آب دارد. پس از آن منابع تأمین آب که در گذشته تأمین آب مصرفی مردم بیشتر نقاط ایران را عهده‌دار بودند، مثل آب چاه، آب قنات، آب انبارها، تالاب‌ها یا آبگیرها یا گوراب‌ها، رودخانه‌ها و چشمه سارها و برکه‌ها به بحث کشیده می‌شود. بخش دیگری از این فصل به شیوه‌های تقسیم آب و آبیاری در نقاط مختلف کشور اختصاص دارد، مثل شیوه‌هایی که در استان فارس، اردبیل، کاشان، در روستاهای فریدون شهر اصفهان، در شهرضا، در میمه، در نطنز، در روستای چالگرگیوی اردبیل، در مرند آذربایجان شرقی، در روستای مومن‌آباد بیرجند، در روستاهای فردوس از توابع مشهد، در فرخ شهر چهارمحال و بختیاری، در فرنگ خمین، در الویر ساوه، در ازناو ملایر، در حسین‌آباد ناظم ملایر، در سلیمان‌آباد همدان و... به اجرا در می‌آید. در خاتمه فصل پنجم اصطلاحات آبیاری و معرفی نمونه‌های شاخص آن (کلیات) مورد بررسی قرار گرفته است. در این بحث ابتدا به شرح صنف، آبیاری سنتی، سازه‌های آبی و ابزار و وسایل آبیاری سنتی پرداخته شده است. سرانجام برخی دیگر از اصطلاحات آبیاری سنتی در فرهنگ عامه ایران را به ترتیب حروف الفباء بیان می‌دارد، مثل آب چاق، آب مال، آب‌خش، آبدار، آستر، آفتاب خور، ... در دو پیوست پایانی کتاب، پیوست اول با عنوان مراحل کندن قنات، به شرح کندن قنات در روستاهای اراک به ویژه در انجیرک می‌پردازد. در پیوست دوم تحت عنوان خاطره‌های مربوط به کندن قنات، خاطره‌ای از یک مقنی قزوینی به نام استاد حسین قزوینی را توصیف می‌کند. نگارنده ذکر این خاطره را به جهت اهمیت کار مقنی‌ها و مهارت ایرانی‌ها در این فن عنوان می‌دارد.

در نتیجه‌گیری دو صفحه‌ای این کتاب نویسنده در یک جمع‌بندی کامل در باره مطالب به گونه‌ای مختصر و جامع چنین می‌نویسد: بشر در طول حیات خود، هرازگاهی به دلیل نیاز یا محدودیت عنصری، به تقدیر و تقدس آن پرداخته است که با گذشت زمان این عناصر حرمت